

نگاه **معصومه رضایی**: تاریخ یژه

نکاتی چند در باب انتخاب مجلس خبرگان

در ۱۴ خردادماه ۱۳۶۸

تجسم مکتب فقهی و سیاسی امام خمینی^{ره}

از چندماه پیش از عزل آیت‌الله حسینعلی منتظری از قائم‌مقامی رهبری، امام خمینی (ره) به دو اقدام مشخص که از نباطلی وثیق و مسئله رهبری در جامعه اسلامی داشت،مبادرت کردند. این دو اقدام عبارت بود؛ نخست زمینه‌سازی بازنگری و اصلاح قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ و دوم، بیان برخی اشارات به یاران و مسئولان کشور، پیرامون موازین و مصادیق مطلوب برای رهبری آینده نظام اسلامی. مطابق با روایات تاریخی، این رهنمودها به دو دسته تقسیم می‌شوند: یکی اشاراتی که امام درباره نوع و مدل مطلوب رهبری، یعنی رهبری فقه‌ای سیاستمدار دارد و اشاراتی که درباره یک مصداق خاص، یعنی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای داشته است. با آغاز به کار شورای بازنگری قانون اساسی در بهار ۶۸،امام با صدور نامه‌ای در پاسخ به اظهار علاقه‌اعضای شور،امینی بر دانستن پیشنهادات ایشان درباره بازنگری، صرفاً یک پیشنهاد را مطرح کردند و آن هم حذف شرط مرجعیت از قانون اساسی و اکتفا به اجتهاد و عدالت، برای رهبری نظام اسلامی بود. در گفتوگوهای شفاهی با اعضای کمیسیون رهبری شورا نیز، امام بر ضرورت حذف احتمال رهبری شورایی از قانون اساسی، پافشاری کرده بودند. با رحلت امام خمینی(ره)، بازنگری قانون اساسی بدون آنکه به سرانجام مطلوب برسد، دچار توقف شد؛ا قانون اساسی نخستین، همچنان ملاک تصمیم‌خبرگان برای تعیین رهبری باقی ماند. در صبحگاه چهاردهم خرداد ۱۳۶۸، تاریخی ترین اجلاسیه خبرگان رهبری تا آن هنگام، در محل ساختمان مجلس شورای اسلامی برگزار شد. اجلاسیه چهاردهم خرداد ۱۳۶۸، با قرائت وصیت‌نامه رهبر فقید انقلاب اسلامی آغاز شد و پس از آن، نطق‌هایی پیرامون صلاحیت‌های رهبری و رهبری فردی یا شورایی صورت گرفت. پس از آن با منتفی‌شدن رهبری شورایی، بلافاصله نام آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان گزینه فردی رهبری مطرح شد و پس از بحث و گفتوگوهای فراوان، به‌رغم عدم تمایل ایشان به پذیرش رهبری، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به‌عنوان رهبری جدید نظام اسلامی، به مردم ایران و جهان معرفی شدند. این امر امام، با شبهه‌افکنی‌هایی نیز همراه شد که عمدتاً به تشکیک در قانونیت و شرعیت این انتخاب بازمی‌گشت؛شبهه‌هایی که طی سال‌های آینده هم، به کرات اظهار شد.در این مجال، به بررسی مختصر این مولفه‌های مهم، در تعیین رهبری می‌پردازیم.

شرعیت انتخاب خبرگان

در مقام بررسی شرعیت انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای، باید به اصل مسئله ولایت‌فقیه توجه کرد.دور قرائت از ولایت‌فقیه و صلاحیت‌های او وجود دارد. یک قرائت سنتی، که نمایندگان آن آقایان حسینعلی منتظری و احمد آذری قمی در سالیان پایانی حیات‌اند و دو دیگر، قرائت امام‌خمینی(ره) در تئوری آقایان منتظری و آذری،ولی فقیه‌یاید اعلام علمایباندو حتی دیگر صفات لازم برای او،مانند سیاستمداری، آگاهی به زمان و مکان، شجاعت و مدیریت، در صورت تحقق آن نخستین، معنا پیدا می‌کند.



دهه ۶۰. آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در دوران تصدی ریاست‌جمهوری

امام خمینی(ره)، اما، به رهبری و ولایت مجتهد عادل نظر داشت و معتقد بود که فقیه دارای صلاحیت اجتهاد که دیگر صفات را نیز داشته باشد، جایسته رهبری است.بی تردید آنچه باید به‌عنوان میزان سنجش شرعیت انتخاب‌خبرگان قرار گیرد، نظرات امام‌احل است. دیگر نظرات فقهی در جای خود محترم هستند و در فضایی آزاد، حق بیان و طرح شدن دارند. اما نهادهای اختارهای نظام اسلامی، بر اساس تئوری‌های امام‌خمینی(ره) (بنیانگذاری شده و تداوم حیات خواهند یافت. از این رو برای اثبات شرعیت انتخاب خبرگان، باید دید که آیا صلاحیت‌های رهبری منتخب، باایستهای لازم برای رهبری با تئوری امام خمینی،(ره)، هماهنگی دارد یا خیر؟ در ادامه، به این نکته خواهیم پرداخت.

قانونیت انتخاب خبرگان

در اثبات قانونیت رهبری منتخب خبرگان، دو ملاک وجود دارد: نخست، مطابقت صلاحیت‌های آیت‌الله خامنه‌ای با قانون اساسی نخستین است. از آنجا که مطابق با فهم رسمی خبرگان از قانون اساسی مصوب سال ۵۸، صلاحیت مرجعیت برای رهبری کفایت می‌کرده است و حد درایج و مقبول صلاحیت مرجعیت نیز، همان اجتهاد مطلق است، رهبری آیت‌الله خامنه‌ای با موازین قانونی (قانون اساسی نخستین) نیز هماهنگی دارد.
با بازنگری در قانون اساسی، رسماً شرط اجتهاد مطلق به‌عنوان صلاحیت فقهی لازم برای فقیه حاکم، در نظر گرفته شد که در نتیجه از نظر متمم قانون اساسی هم، اشکالی متوجه رهبری منتخب خبرگیر نیست.

مکانات اجتهاد مجتخب خبرگان

در اثبات اجتهاد آیت‌الله خامنه‌ای، ادله متعددی وجود دارد. یکی سوابق تحصیلی ایشان است که بالغ بر بیش از ۱۳ سال تحصیل درس خارج فقه و اصول را شامل می‌شود.ایشان در سال ۱۳۴۹، به‌دلیل احساس بی‌نیازی از ادامه تحصیل درس خارج حضور در درس آیت‌الله سیدمحمد هادی میلانی را ترک و به تدریس سطوح عالی مشغول شد. آیت‌الله خامنه‌ای خود در چندموضوع، تلویحاًبه صلاحیت اجتهادی خود اشاره کرده‌است.دلیل دوم، تأیید اجتهاد ایشان از سوی تعداد کثیری از علما و فضلاء حوزه است.آیات،فاضل لنگرانی، آذری قمی، مروج، امامی کاشانی، خلیلی، راستی کاشانی، طاهر شمس، قرنی، جزایری، بنی‌فضل، ایمانی، انواری، روحانی، مشکینی، مظفری، صائنی، مؤمن، جوادی آملی، یزیدی، امینی و…، بلافاصله پس از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای و نیز در سال‌های بعد،اجتهاد مطلق ایشان را تأیید کرده‌اند. بنابراین در این فقه‌ره، ادله تمام می‌نماید.

گزارش

الهام‌دانایی سرشت

روزنامه‌نگار

از بعد فکری و تئوریک، به بعد عملیاتی راه یافت. امام خمینی (ره)، رهبری این انقلاب الهی را بر عهده گرفت و ایران اسلامی را، از انواع توطئه‌ها و یحران‌ها نجات داد. اختلافات داخلی، تفرقه و ایجاد جنگ‌های قومیتی، ظهور تفکرات لیبرالیستی و سعی بر نفوذ در کان نظام، از جمله این توطئه‌هاست. در خردادماه سال ۱۳۶۸،اما، اتفاق سرنوشت‌سازی برای جمهوری اسلامی ایران رخ داد: اتفاقی که دشنم سال‌ها در پی آن بود.امام امت‌روزی از جهان برگرفت و رهسپار ابدیت شد.هم‌از این روی، مسئله جانشینی ایشان مطرح شد. در این باره امام، رسانه‌های خارجی و به‌ویژه بنگاه‌های خبری و تحلیلی غربی، تحلیل‌های گوناگونی ارائه می‌کردند که اکنون در این نوشتار، به‌مناسبت سالروز از تحال بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی و آغاز زعامت حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، به باز خوانی و تحلیل شمه‌ای از آنها خواهیم پرداخت.

دستور کار رسانه‌های خارجی، از بحران نمای تا

شبه‌افکنی

دشمنان انقلاب اسلامی با این توهم که با رحلت امام‌خمینی(ره)، نظام اسلامی و ولایت فقیه دچار تزلزل خواهد شد، اتاق فکریهایی تشکیل داده و بلندگوهای داخلی و خارجی خود را، آماده اعلام پیروزی خویش ساخته بودند. در حقیقت لحظاتی که دشمن با سال‌ها صبر، در انتظار آن به سر برده و عمر خویش را برای آن فرسوده بود، اینک فرا می‌رسید؛ فقدان رهبری، همراه با شرایط مبهم و ناپایدار امنیتی در مرزها، وضعیت آسیب‌پذیر امنیت داخلی و نیز شوک شدید وارد بر مردم، همگی شرایط مساعدی را برای آغاز تحریکات و تحركات دشمن مهیا کرده بود. یکی از این اقدامات، القای جنگ قدرت و بحران تعیین جانشین امام بود. در همین راستارادیو دولتی آمریکا، در نخستین واکنش خود به خبر از تحال امام خمینی گفت: «همزمان با تشکیل مجلس خبرگان برای تعیین جانشینی آیت‌الله خمینی، وصیت‌نامه سیاسی وی خوانده شد، ولی بیشتر تحلیل‌گران غربی می‌گویند که وصیت‌نامه سیاسی آیت‌الله خمینی، احتمالاً مسئله جانشینی او را حل نخواهد کرد. این تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند که ایران اکنون در مسئله رهبری، در یک دوران ناشخص به سر خواهد برد.»(۱)

همچنین دشمنان جمهوری اسلامی در پی انتخاب رهبری، ادعا کردند که مراجع تقلید، رهبری آیت‌الله خمینی، احتمالاً مسئله جانشینی او را حل نخواهد کرد. این تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند که ایران اکنون در مسئله رهبری، در یک دوران ناشخص به سر خواهد برد.»(۱)

همچنین دشمنان جمهوری اسلامی در پی انتخاب رهبری، ادعا کردند که مراجع تقلید، رهبری آیت‌الله خمینی، احتمالاً مسئله جانشینی او را حل نخواهد کرد. این تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند که ایران اکنون در مسئله رهبری، در یک دوران ناشخص به سر خواهد برد.»(۱)

ایجاد دوقطبی کادب در میان مسئولان نظام

گفتنی است خط تحلیلی ناظر به بحرانی توصیف کردن شرایط در ایران و به‌ویژه احتمال بالای وقوع جنگ قدرت، پیش از از تحال امام و پس از عزل آیت‌الله حسینعلی منتظری، از سوی رسانه‌های خارجی دنبال می‌شد. در این روند، آنچه در حجم وسیعی از گزارش‌های خبری و تحلیلی این رسانه‌ها دیده می‌شود، تبدیل این جنگ قدرت احتمالی، به‌دعوا میسان دو جریان به‌اصطلاح «پناه‌رو» و «هندرو» از نظر آیت‌هاست. در این تحلیل، جناح چپ و مسئولان دفتر امام، یعنی افرادی مانند آقایان سیداحمد خمینی، موسوی‌خوینی‌ها، محمشمعی‌پور و میر حسین موسوی، به‌عنوان نیروهای جریان تندرو، و شخص حاج سیداحمد خمینی علیه قائم‌مقام معزول رهبری جریان میانه‌رو، با آقای هاشمی‌رفسنجانی تحلیل می‌شد. رسانه‌های غربی، رویدادهای مربوط با ماجرای عزل آقای منتظری و سپس مواضع محکم جریان چپ و شخص حاج سیداحمد خمینی علیه قائم‌مقام معزول را، نشانه‌هایی برای کوشش فرزند امام در جهت افزایش قدرت و از تقای خود، در ساختار جمهوری اسلامی عنوان می‌کردند. صورت جامع این تحلیل را می‌توان در گزارشی از روزنامه کوری‌ره دالاسرا چاپ ایتاها مشاهده کرد. در این گزارش که در شماره مورخ سوم خرداد

تاریخ



انتخابی که امید دشمنان را به محاق برد!

خط تحلیلی رسانه‌های غربی و انتخاب هوشمندانه رهبر انقلاب اسلامی

محمشمعی‌پور و…، شخصیتی معتدل‌تر و میانه‌روتر به شمار می‌آمد. آسوشیتد پرس، آیت‌الله خامنه‌ای را «رئیس جمهور شاعر» و «یک روحانی محبوب با لحن سخن ملایم» لقب داد.(۱۰) واشنگتن پست هم در جریان انتشار دو مقاله پیرامون رهبری جدید ایران، زیر تصویري از آیت‌الله‌خامنه‌ای نوشته بود: «آیت‌الله خامنه‌ای فردی اشتی‌گرا است». در این روزنامه تحلیل‌گران خارجی، آیت‌الله خامنه‌ای و آقای هاشمی رفسنجانی را، در مسیر حرکت‌دادن جمهوری اسلامی به‌سوی میانه‌روی، همراه و همسو معرفی می‌کردند. بی‌بی‌سی در هجدهم خرداد ۶۸، تحلیل‌های سولمانزاد را برای مخاطبان قرائت کرد که در این تحلیل آمده بود: «اگر در چندماه آینده، کارها بدون وقفه و به‌خوبی پیش رود، آیت‌الله خامنه‌ای و آقای هاشمی رفسنجانی با هم، سیاست‌های ایران را در یک مسیر میانه‌روتر قرار خواهند داد.»(۱۱) نیوزویک هم در تحلیلی از اوضاع ایران پس از رحلت اسام، آیت‌الله خامنه‌ای را، «فردی ساکت و روشنفکری فکور» توصیف کرد. نیوزویک همچنین معتقد بود که احتمالاً «رهبران جدید ایران، متمایل به برقراری روابط با شرک‌ت‌های غربی در مرحله اول و دولت‌های غربی در مرحله دوم باشند و از سیاست تشویق بخش خصوصی طرف‌داری کنند.»(۱۲) این جایگزینی نیزه‌های میانه‌رو با نیروهای تندرو، گاهی هم با الفاظلی جالب در رسانه‌های غربی انعکاس پیدا می‌کرد. ازجمله روزنامه آلمانی زوددویچه ساتیونگ، به‌عنوان شهادی برای تأیید همین تحلیل رایج نوشت که «بسیار دیده شده است که برخلاف امیرحسین آ موسوی، خامنه‌ای می‌خندد.»(۱۳)

تفسیرگران ایرانی رسانه‌های غربی هم، تقریباً همین خط تحلیلی را دنبال می‌کردند. صادق زیباکلام در گفت‌وگو با رادیو بی‌بی‌سی در پانزدهم خرداد، سر نوشت رابطه رهبری جدید جمهوری اسلامی با عناصر تندرو را، محل ابهام دانست که نمی‌توان به‌طور دقیق گفت «آقای خامنه‌ای تا چه حد به‌عنوان ولی فقیه قادر خواهد بود که اینها را در کنترل خودشان قرار دهد، از نظر زیباکلام، تشکیلات یا گروه‌هایی مانند «دفتر تحکیم وحدت، روحانیون مبارز، بخشی از جریانات داخل سیه‌انجمن‌های اسلامی دانشجویان خط امام.»مصادیق جریانات تندرو در داخل ایران به شمار می‌آیند که اغلب



روزنامه لوموند در تحلیلی پس از انتخاب رهبری در خرداد۶۸ نوشت:

«نظام ایران با راهپیمایی انبوه عزاداران

آیت‌الله خمینی و تلگراف‌های حمایت

از آیت‌الله خامنه‌ای، تصویری متحد از خود بروز داد. به شکلی که هم‌اکنون،

ارز یابی موازنه قوا میان رهبران ایران، برای

برای خارجی‌ها غیر ممکن است»

«منابع در سرویس تاریخ‌مشرقی موجود است.

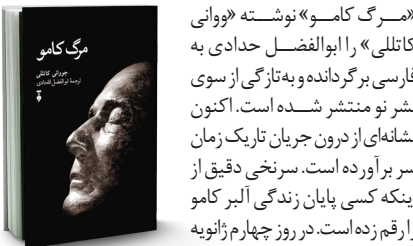
«منابع در سرویس تاریخ‌مشرقی موجود است.

سه‌شنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۱

شماره ۸۵۱۹

تاریخ ادبیات

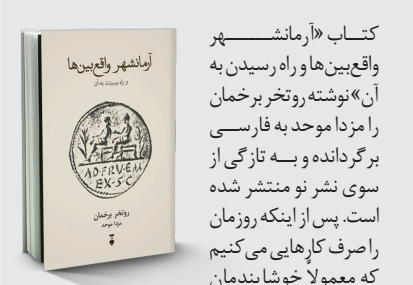
مرگ کامو



«مرگ کامو» نوشته «ووانی کاتللی» را ابوالفضل حدادی به فارسی برگردانده و به‌تازگی از سوی نشر نو منتشر شده است. اکنون نشانه‌ای از درون جریان تاریک زمان سر برآورده است. سرنخی دقیق از اینکه کسی پایان زندگی آلبر کامو را رقم زده است، در روز چهارم ژانویه ۱۹۶۰ کامو در راه برگشت به پاریس همراه ناشرش میشل گالیمار و نیز آن و ژین-دختر و همسر گالیمار بدر سناحه‌ای هولناک جان باخت. عموماً مرگ آلبر کامو را تصادف تلقی می‌کنند اما جوانانی کاتللی به شواهدی تاریخی دست یافته که نشان می‌دهد ممکن است کامو به قتل رسیده باشد. کاتللی پس از سال‌ها تحقیق دقیق نشان می‌دهد که چرا سران اتحاد جماهیر شوروی سرستانه در پی حذف آلبر کامو بوده‌اند. آلبر کامو مردی بود آزاد و سرکش و خطرناک. خطرناک برای وجدان‌های گناهکار فراسوی‌ها و شورشیان الجزایری و همدستان سابق نازی‌ها در جنگ جهانی دوم و استالینست‌ها، خطرناک برای اخلاق بورژوازی و برای جامعه روشنفکری. خطرناک برای نیروهای تجاری، استالینست‌ها و اتحاد جماهیر شوروی که یورش خشونت‌پاشان به مجارستان سبب شده بود که او با شهامت استثنایی به سمت‌شان یورش ببرد؛ دیکتاتور؛ فاشیست اسپانیا که کامو با نقش آفرینی‌ها و سخنرانی‌های عمومی‌اش به‌مخالفت با او برمی‌خاست و همه‌جا رسوایش می‌کرد تا غرب حضورش را در نهادهای بین‌المللی نپذیرد و… اکنون نشانه‌ای از نه‌توی جریان تاریک زمان سر برآورده است. سرنخی دقیق که یک اس‌کم و یک دستور و اراده از تک‌باقتل را نشان می‌دهد؛ شاید واقعه‌ای برای پایان زندگی آلبر کامو تصمیم گرفت. این کتاب ۱۷۳صفحه‌ای به بهای ۱۲۰ هزار تومان منتشر شده است.

تاریخ علم

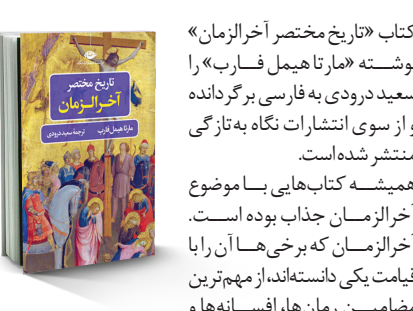
آرمانشهر واقع بین‌ها



کتاب «آرمانشهر واقع بین‌ها و راه رسیدن به آن» نوشته روتخر برخمان را مزدا موجد به فارسی برگردانده و به تازگی از سوی نشر نو منتشر شده است. پس از اینکه روزمان را صرف کارهایی می‌کنیم که معمولاً خوشایندمان نیست، چیزهایی را می‌خریم که لازمشان نداریم. روتخر برخمان، نویسنده این کتاب به یادمان می‌آورد که لازم نیست اینگونه باشد. برخمان با نگاهی عمیق و تاریخی به این مقوله‌ها، ایده‌های آرمانشهری متعددی را پیش می‌کشد و ثابت می‌کند که آنها امروزه نیز عملی‌اند. آرمانشهر واقع بین‌ها: از نادر کتاب‌هایی است که به‌واقع معنیرمان می‌کند و تصورمان از آینده را زیر و زبر می‌کند. برخمان در این کتاب ما را به سفری در عمق تاریخ می‌برد، سفری رها از مرزبندی‌های سنتی چپ و راست. او مدافع قنایدی است که زمانشان فرا رسیده است. در بخشی از کتاب آمده است: «اگر از کلیشه‌های قدیمی چپ و راست خسته شده‌اید، شاید از گذشته‌هایمان و متن شیوا و مباحث مستدل این کتاب لذت ببرید. «همچنین زیگموند باومن، نظریه‌پرداز برجسته علوم اجتماعی درباره این کتاب گفته است: «متنی لازم برای هر آنکه نگران معایب اجتماع فعلی است و می‌خواهد به درمان آنها کمک کند.» نشر نو اخیراً این کتاب ۲۶۹صفحه‌ای را به بهای ۱۳۰ هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ جهان

تاریخ مختصر آخرالزمان



کتاب «تاریخ مختصر آخرالزمان» نوشته «مارتا هیمل فاراب» را سعید درودی به فارسی برگردانده و از سوی انتشارات نگاه به‌تازگی منتشر شده است. همیشه کتاب‌هایی با موضوع آخرالزمان جذاب بوده است. آخرالزمان که برخی‌ها آن را با قیامت یکی دانسته‌اند، از مهم‌ترین مضامین رمان‌ها، افسانه‌ها و خلاقیت‌های معاصر بشری برای تولید محتوا به‌شمار می‌رود. وقتی بدانیم که اعتقاد به منجی و آخرالزمان در فرهنگ بسیاری از ادیان بزرگ دنیا دیده می‌شود و درباره آن پیشگویی‌هایی نیز کرده‌اند این موضوع میرهن می‌شود که آخرالزمان از جذابیت زیادی برخوردار است. این کتاب، به شکلی صریح و روشنگر بینش‌هایی در مورد ژانر جذاب ادبیات آخرالزمانی ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه آخرالزمان بسیار بیشتر از دیدگاه‌های رایج درباره آخرین قضاوت و پایان خشونت‌آمیز جهان را شامل می‌شود. «مارتا هیمل فاراب» در این کتاب نشان می‌دهد که آخرالزمان نه تنها به دیدگاه‌های رایج درباره آخرین قضاوت و پایان خشونت‌آمیز جهان توجه دارد بلکه پاداش و مجازات پس از مرگ، معبد آسمانی و افشای پدیده‌های نجومی و سایر اسرار طبیعت را در نظر داشته است. این نویسنده، سنت نوشتن آخرالزمانی را در قرون وسطی تا دوران مدرن دنبال می‌کند. مارتا هیمل فاراب، استاد دین ویلیام اچ دافورث در دانشگاه پرستون و کار او بر ادبیات آخرالزمانی متمرکز شده است. انتشارات نگاه این کتاب ۸۸۲صفحه‌ای را به بهای ۵۵۸ هزار تومان منتشر کرده است.